



پیشرفت دنیا از نظر علم و تکنولوژی که خود اهداف جدیدی را به دنبال دارد، لزوم تغییرات اساسی در محتوای کتاب‌های درسی نظام آموزشی و به تبع آن کتاب‌های درسی کودکان استثنایی به چشم می‌خورد و این معضلی بود که سالها تمامی دست اندرکاران آموزش استثنایی را رنج می‌داد. و هر روز لزوم این تغییرات بیشتر نمایان می‌شد. چرا در جامعه امروز با توجه به پیشرفت علوم و دانشناختی و تکنولوژی جدید و راهکارهای گوناگون در امر یادگیری و با توجه به اهمیت توانایی‌های فردی، کتاب‌های قدیم دیگر جوابگوی نیازهای علمی و اجتماعی کودکان استثنایی نیست. امروزه رشد همه جانبه دانش آموز، مهم‌ترین هدف تعلیم و تربیت محسوب می‌شود و تربیت جامع و همه جانبه کودک زمانی تحقق می‌یابد که تمام توانایی‌ها و ابعاد وجودی او اعم از ذهنی، بدنی، عاطفی، شخصیت فردی و اجتماعی و رشد اخلاقی و معنوی کودک در کانون توجه قرار گیرد.

تجربه‌های طولانی در نظام آموزشی نشان می‌دهند که این اهداف با آموزش علوم صرف و شیوه‌های آموزش مستقیم تحقق نمی‌یابد. اکنون دنیای تعلیم و تربیت به سرعت متحول شده و کلیت و جامعیت تربیت آدمی مدنظر است نه صرفاً افزایش دانش و حجم اطلاعات و از طرف دیگر آموزش و پرورش فرآیندی است که تا آخر عمر ادامه دارد.

این مسئله در گزارش کمیسیون بین‌المللی تعلیم و تربیت چنین آمده است:

«در این زمان حیاتی‌ترین موضوع این است که آموزش و پرورش به مثابه روشی همه شمول و

لزوم تغییر کتاب‌های درسی کودکان کم‌توان ذهنی از دیدگاه پرورش اجتماعی آنان

مانیابدیدار

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی و عضو گروه تألیف کتب فارسی ویژه کودکان کم‌توان ذهنی

برای پیشرفت و توسعه در هر کاری ایجاد تغییر و تحول در آن سیستم امری ضروری است. ایجاد تغییر و تحول نیز مستلزم تغییر نگرش و استفاده از روش‌ها و ابزار نو است. لازمه چنین نگرشی در امر آموزش و پرورش کودکان کم‌توان ذهنی نیز تغییر نگرش نسبت به برنامه‌ریزی آموزشی آنان را در پی دارد و این به آن معناست که در انتخاب اهداف جدید، نیاز سنجی و بازنگری گردد و با توجه به نیازهای موجود برای این کودکان، تغییراتی در هدفها بوجود آید و در نتیجه وسایل، روشها و محتوای تازه و نو برای آنان تدارک دیده شود. سپس ارزشیابی‌های جدیدی انجام گردد. با توجه به





برعهده دارند. بسیاری از نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی که با حرکتی کند طی سالهای دبستان ظاهر می‌شوند مستقیماً از طریق محتوا و موضوع این کتاب‌ها شکل می‌گیرد. بعلاوه این کتاب‌ها در تعیین برداشتهای کودک از عمل خواندن نقش مهمی ایفا می‌کند. کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی باید به ویژه برای کودکان استثنایی که قبل از ورود به دبستان انگیزه‌ای برای خواندن نداشته‌اند و در نتیجه نمی‌توانند ارزش کتاب و مزیت‌های خواندن را درک کنند. دارای محتوای نشاط انگیز، جالب توجه و مربوط به موضوع و دارای پیش زمینه نزد آنان باشد تا علاقه کودکان را به کتاب و خواندن جلب کنند.



اکثر کسانی که دست‌اندرکار آموزش و پرورش کودکان استثنایی هستند با ارزیابی کتاب‌های درسی قدیم محتوای آن‌ها را مناسب نمی‌دانستند و نظرات آن‌ها در مورد کتاب‌های درسی قدیم چنین است:

کتاب‌های فارسی ابتدایی از نظر جلب علاقه مناسب نبود. در آن‌ها واقعیت زندگی نه فقط مسایل و مشکلات، بلکه بسیاری از شادبها و هیجان‌های آن نادیده گرفته می‌شده است. این کتاب‌ها به طور کلی با تجربه‌های روزمره کودکان مغایرت داشت. در آن‌ها به نیازهای زندگی کودکان به میزان کافی توجه نشده و توانایی‌های کودکان استثنایی نادیده گرفته می‌شد. بدین ترتیب این کتاب‌ها به تربیت اجتماعی و رفتارهای سازشی کودکان و در کل به تربیت جامع و همه جانبه کودکان استثنایی به دلیل نیازهای ویژه آنان نپرداخته است.



جامع پنداشته شود. چنین دیدگاهی باید خط‌مشی‌ها و تغییرات آموزشی را در دو زمینه محتوا و روش هدایت‌کننده و آگاهی‌های لازم را بدهد.» آیا زمان آن نرسیده است که برای دوری از شیوه‌های آموزش مستقیم و غیرفعال و به منظور تربیت جامع و کامل کودکان بخصوص کودکان استثنایی، نگرش‌ها، اهداف، محتوا و روشهای آموزشی خود را بر این اساس بازنگری کنیم؟

اغلب ما به مرسومات و محفوظات کلیشه‌ای که ابزارهای زندگی روزمره ما هستند عادت کرده‌ایم و بسیار مشکل است اگر بخواهیم از مرز بیهیات و عادات آموخته شده فراتر رویم. غالباً در مقابل نوآوری‌ها و ایده‌های نو مقاومت‌های بسیاری

*** اکثر کسانی که دست‌اندرکار آموزش و پرورش کودکان استثنایی هستند با ارزیابی کتاب‌های درسی قدیم محتوای آن‌ها را مناسب نمی‌دانستند**

وجود دارد در حالیکه معلوم شده است، حل مسئله، کاوشگری و درک عمیق مفهوم، به تفکر خلاق و اندیشه سیال نیاز دارد که دست‌یابی به آن محتاج تمرین و هدایت‌های منسجم است.

در دهه گذشته علاقه و توجه به کتاب‌های کودکان جان تازه‌ای گرفته است. متخصصان تعلیم و تربیت چنین استنباط کرده‌اند که نه تنها معلمان و هم‌سالان بلکه متن کتاب کودکان نیز در آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

کتاب‌های دوره ابتدایی نقش اجتماعی‌کننده مهمی



اگر محتوای کتاب درسی به سابقه علاقه و تجربه شخصی کودکان مربوط شود، کودکان دل‌گرمی و انگیزه بیشتری خواهند داشت.

احتمالاً بسیاری از کودکان با بی‌ربط دانستن مدرسه، آنگونه که در کتاب‌های ابتدایی فوق آمده، ممکن است از همان سال‌های اولیه براحتی از «هماهنگ شدن» با تحصیل و مدرسه خودداری کنند. (آشر، هایمل، ویگفیلد ۱۹۷۶)

باید آگاه بود که دنیای واقعی از آنچه در کتاب‌های دوره ابتدایی آمده است متنوع‌تر است. پسران و دختران، مردان و زنان، چاق و لاغر، کوتاه قد و بلند قامت هستند، پسران و مردان گاه خوش طینت و گاه پرخاش‌گر هستند. هنرمندان، پزشکان و معلمان ممکن است مادر نیز باشند. کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی باید با استفاده از امکانات وسیع‌تر و نمایش انواع مدل‌ها و فعالیت‌ها، رشد فردی و عزت نفس دانش‌آموزان را به حداکثر برسانند. (ساریو و دیگران ۱۹۷۳).

بخشی از وظیفه آموزش و پرورش در قبال تربیت اجتماعی کودکان، آموزش قوانین به آنهاست

بطور کلی کتاب‌های درسی در یادگیری و تقویت نگرشها و ارزش‌های اجتماعی ابزارهای مهمی به شمار می‌آیند و متأسفانه برخی از کتاب‌های درسی بسیار نارسا بودند. آنها به جای ارائه تصویر واقعی از زندگی امروز، اغلب نوعی تصویر غیرواقعی را به نمایش می‌گذاشتند. شواهد آزمایشی نشان داد، با قرار دادن کتاب‌های جالب

و واقعی‌تر در دسترس کودکان بخصوص کودکان استثنایی در سنجش‌های زبانی و خواندن و پیشرفت در رفتارهای سازشی نمرات بالاتری گرفتند و کتاب‌های درسی جدید تأکیدی زیاد در «نگاه تازه» دارد.

یکی از ابعاد مهم تربیتی در کتاب‌های جدید کودکان استثنایی که مدنظر است، پرورش اجتماعی کودکان است. پرورش اجتماعی فرآیندی است که در طی آن معیارها، مهارت‌ها، انگیزه‌ها، نگرشها و رفتارهای شخصی شکل می‌گیرند، تا با آنچه برای نقش فعلی یا آتی او در جامعه، مقتضی و مطلوب تشخیص داده شود هماهنگ شوند.

پرورش اجتماعی را می‌توان به منزله فرآیندی دانست که از طریق آن به اعضای جدید جامعه «قوانین شرکت در آن» آموخته می‌شود. (هترینگتون و موریس ۱۹۷۸)

بخشی از وظیفه آموزش و پرورش در قبال تربیت اجتماعی کودکان، آموزش قوانین به آنهاست و بخش دیگر یاری کردن آنها در توفیقی است که از طریق رعایت قوانین جامعه حاصل می‌شود. بعلاوه حائز اهمیت است که کودکان بیاموزند افرادی با کفایت و مفید هستند که قادرند وقایع و مردم دنیای اطرافشان را تحت تأثیر قرار دهند، این متکی براساس یک رابطه مثبت متقابل مبنی بر احترام، توجه و پاسخ‌دهی می‌باشد و مستلزم آن است که قوانین بوضوح ارائه شوند و به طور همسان به اجرا در آیند و از جانب کنترل درونی تشویق شوند. و سخن دیگر آنکه معلمان باید به کودکان اجازه دهند تا ابتکار عمل داشته باشند و

مسئولیت‌های متناسب با سن و توانشان را به عهده بگیرند. کودکان احتیاج به حمایت و آزادی عمل دارند تا مهارت‌ها و قوانین اجتماع را به کار بسته، آزمایش و تمرین کنند. آن‌ها از طریق عمل کردن می‌آموزند.

دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی‌ها و مشکلات یادگیری اغلب دچار نقایص مهارت اجتماعی‌اند. (گرشام، الیوت ۱۹۸۹، کورالینک ۱۹۸۶، مادن و اسلاوین ۱۹۸۳). آن‌ها ممکن است فاقد مهارت‌های اجتماعی لازم جهت تعامل مناسب با هم‌سالان و سایرین بوده و مرحله اساسی در کاربستن مهارت را ندانند. یا شاید توانایی لازم برای مهارت‌های اجتماعی را داشته باشند، ولی آن را در سطوح قابل قبول یا موقعیت‌های مناسب بکار نگیرند. برای دانش‌آموزانی که به چنین مشکلاتی دچارند، استفاده از آموزش صریح در مهارت‌های اجتماعی توصیه می‌شود. بخش

بخش عمده‌ای از مهارت‌های اجتماعی از طریق یادگیری مشاهده‌ای کسب می‌شوند

عمده‌ای از مهارت‌های اجتماعی از طریق یادگیری مشاهده‌ای کسب می‌شوند و با استفاده از روش مدل‌سازی در محتوای کتاب‌های درسی می‌توان این نوع مهارت را در کودکان و بخصوص کودکان کم‌توان پرورش داد، زیرا آنان نیازمند آموزش سیستماتیک صریح در این مهارت‌ها می‌باشند. کتاب‌های درسی در یادگیری و تقویت نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی ابزارهای مهمی به شمار

می‌آیند نقش کتاب درسی این نیست که به افراد تعلیم دهد که در آینده چه باید بکنند تا برای اجتماع سودمند باشند، بلکه آن‌ها را بیدار و هشیار می‌سازد تا به مسایل اجتماع توجه کنند و از این که در این مسائل اظهار نظر کنند به خود بیالند و از این گذشته می‌تواند در شخص این اعتماد را پرورش دهد که او نیز قادر است در تصمیمات مهم مؤثر باشد.

از ویژگی‌های بارز کتاب‌های جدید دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، گذشته از آموزش‌های دانش و علوم مختلف، اهمیت دادن به پرورش اجتماعی کودکان است، که این بُعد از مهمترین و ضروری‌ترین ابعاد مسائل تربیتی برای کودکان با نیازهای خاص است، زیرا در کتاب‌های جدید ایجاد نقش‌ها و نمایش مدل‌های گوناگون به کودکان می‌آموزد که:

۱ - اعتماد و احترام به نفس داشته باشند و این اعتماد را پرورش می‌دهد که کوشش‌هایش وی را به هدف خواهند رساند و اگر شکست بخورد نیز چیزی را از دست نخواهد داد.

و این اعتماد و احترام به قابلیت خویشتن پیوسته تکامل می‌یابد و دانش‌آموز با موفقیت در کار می‌فهمد که از توانایی غلبه بر مشکلات درسی بهره‌مند است، زیرا محتوای کتاب‌های جدید برابر با توانایی‌های او طراحی شده است.

۲ - ایجاد ارتباط مؤثر با دیگران. کسی که در ارتباط با دیگران کارآمد است به آنان اعتماد دارد و احترام می‌گذارد و این از مواردی است که در کتاب‌های جدید درسی به آن توجه مخصوص شده و در اغلب متن‌ها بطور غیرمستقیم این ارتباط

و احترام آموزش داده شده است.

۳ - داشتن هدف‌ها و رغبت‌ها. داشتن هدف و رغبت در زندگی به کودکان شور و اشتیاق می‌بخشد و او را در دشواری‌ها به پایداری و پیشروی برمی‌انگیزد.

این کتاب‌ها با استفاده از معلمین قابل ستایش به عنوان سرمشق و با معرفی مدل‌های مطلوب و با ایجاد احساس قابلیت و اعتماد به نفس به دانش‌آموزان رغبت‌های سودمند را تعلیم می‌دهد. پرورش رغبت‌های حرفه‌ای و سرگرمی‌های سودمند، لذت بردن از خواندن و احساس رضایت از برآورده شدن نیازها از اجزای این روش در کتاب‌های درسی جدید است. قبول مسؤلیت‌های اجتماعی، کاردانی، پاکیزگی، کوشش در تحصیل و احترام به دیگران، همکاری و دوست داشتن دیگران از دیگر ویژگیهای تربیت اجتماعی است.

کتاب‌های جدید است. کتاب‌های درسی جدید با نگاهی تازه به ابعاد تربیت همه جانبه و روشهای جدید تعلیم و تربیت تألیف گردیده است و حاصل سالها تجربه دست اندرکاران آموزش و پرورش کودکان استثنایی و معلمان آنان می‌باشد. قوی‌ترین انگیزه برای این تغییر، استفاده هر چه بیشتر از توانایی این دسته از کودکان و کاهش مشکلات آموزشی آنان می‌باشد. همچنین ایجاد رغبت و انگیزه، فعال کردن آنان برای یادگیری و کاربردی کردن مطالب آموخته شده نیز مورد توجه قرار گرفته است.

امید است که با تلاش و کوشش معلمان دلسوز کودکان استثنایی این جریان راه تکامل را ببیماید.



منابع

- دکتر بهرنکی. محمد رضا. مدیریت آموزشی و آموزشگاهی. کمال تربیت. تهران. ۱۳۷۴.
- شعبانی. حسن. مهارت‌های آموزشی و پرورشی. تهران. ۱۳۷۴.
- کله. پیتر. چان. لورنا. کودکان استثنایی. ترجمه فرهاد ماهر. قومس. تهران. ۱۳۷۲.
- گرانباخ. لی. جی. روانشناسی تربیتی. ترجمه مسعود رضوی. دهخدا. تهران. ۱۳۵۱.
- دکتر میلانی‌فر. بهروز. روانشناسی کودکان و نوجوانان استثنایی. قومس. تهران. ۱۳۶۹.
- هترینکتون. ای. میویس. پارک. راس دی. روانشناسی کودک از دیدگاه معاصر. ترجمه جواد ظهوریان و همکاران. آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۳۷۳.